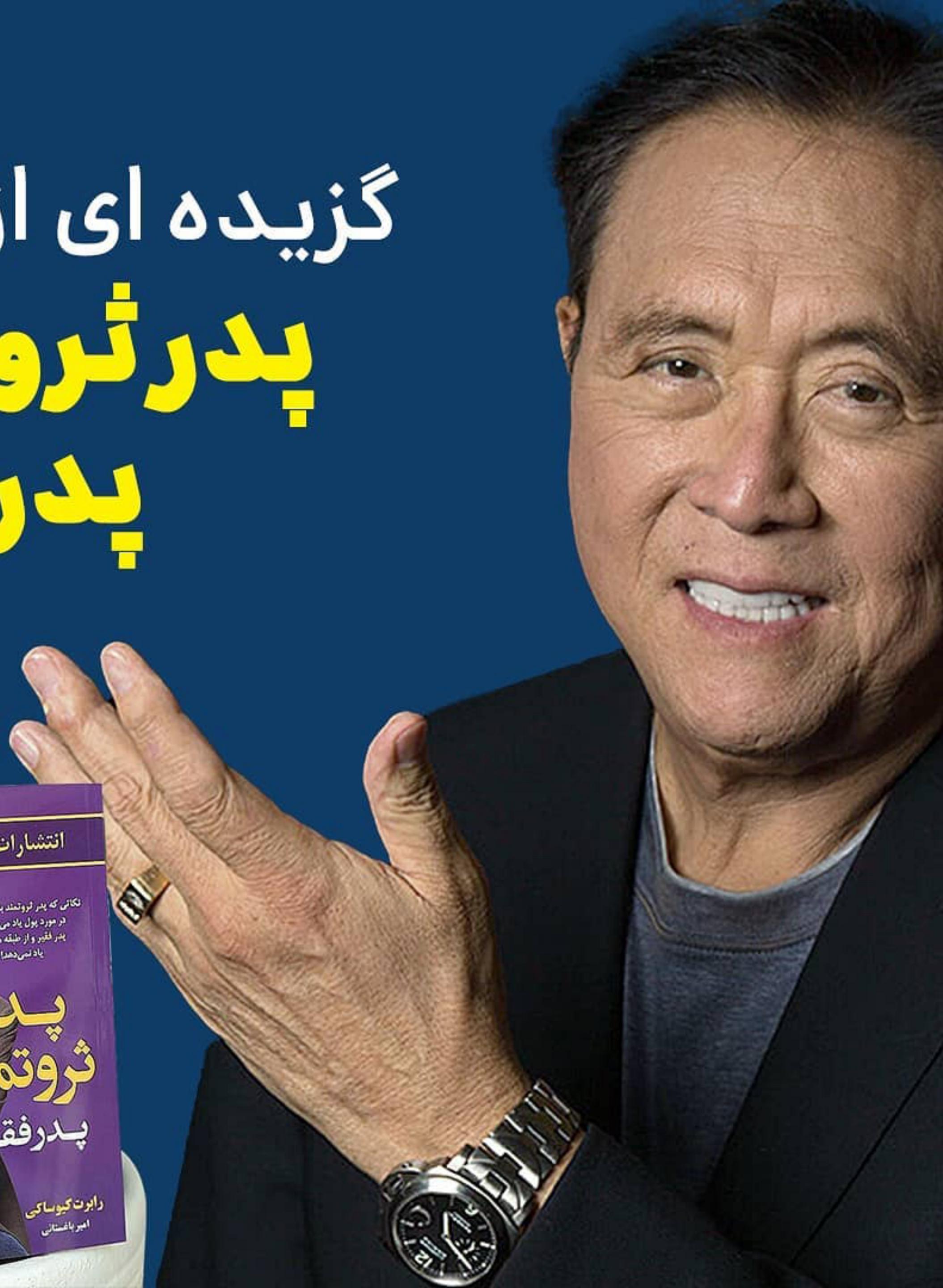
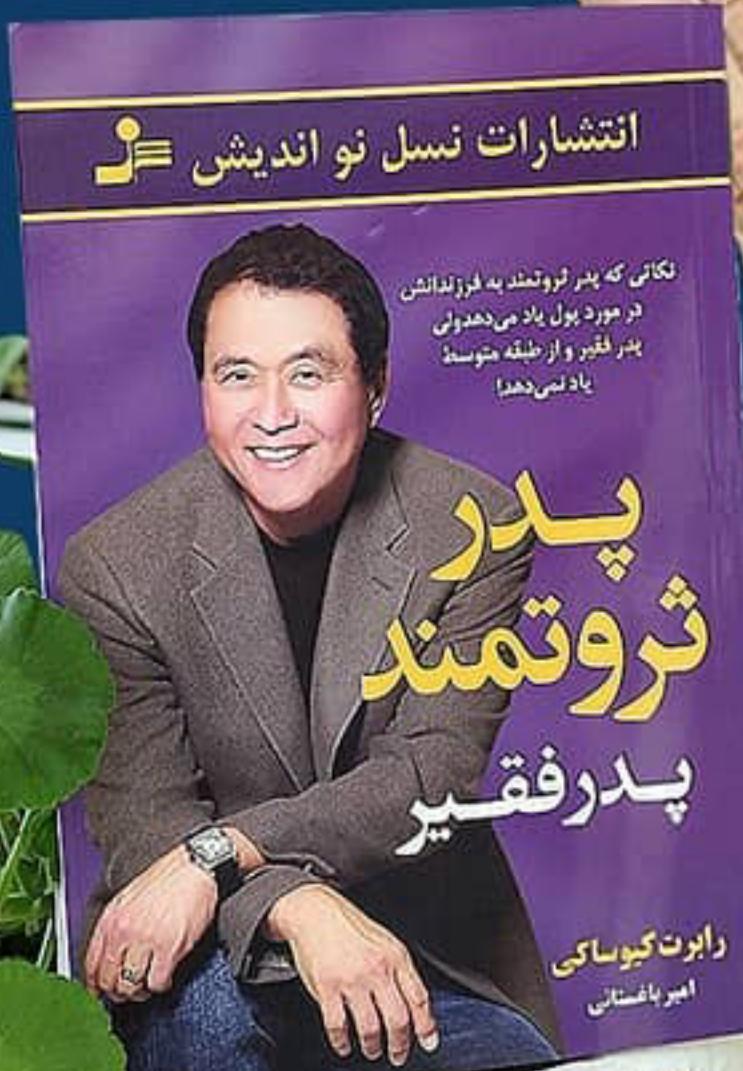


# گزیده‌ای از کتاب

# پدر ثروتمند

# پدر فقیر

 KHLASEH  
KETAB.COM



# عمل کنید!

به همه شما، دو نعمت خدادای اهدا شده: **مغزتان و وقتیان**. دیگر بستگی به خودتان دارد که با این دو، چه بکنید. با هر دلاری که به دستان می‌رسد، خودتان و فقط خودتان، قدرت تعیین سرنوشتتان را خواهید داشت. اگر احمقانه خرجش کنید، انتخاب کرده‌اید که بی‌پول باشید. اگر خرج بدھی‌هایتان کنید، به طبقه متوسطالحال پیوسته‌اید و اگر آن را روی مغزتان سرمایه‌گذاری کنید و آموزش بیینید چگونه دارایی بیندوزید، تمول را برای آینده و هدفتان انتخاب کرده‌اید. این انتخاب، همه و همه، مال شما و تنها در اختیار شماست. هر روز با هر دلار که درمی‌آورید، تصمیم می‌گیرید پولدار، بی‌پول یا متوسطالحال باشید.

اگر انتخاب کنید که این صحبت‌ها و آموزش‌ها را با فرزنداتان سهیم شوید، در حقیقت انتخاب کرده‌اید که آنان را برای ورود به دنیایی که انتظارشان را می‌کشد، آماده سازید. هیچکس دیگر این کار را نخواهد کرد.

اینده شما و فرزنداتان با انتخاب‌های امروزتان تعیین می‌شود، نه فردا. برایتان در طول این نعمت پربرکتی که نامش را زندگی گذاشته‌اند، آرزوی رفاه، ثروت و شادکامی می‌کنم.

رابرت کیوساکی و شارون لجر

ل بیشترین ضرر ما به خاطر از دست دادن موقعیت‌های از دست رفته است. اگر همه سرمایه شما به منزل تان محدود شود، شاید مجبور شوید سخت‌تر از گذشته کار کنید، چون پولتان به عوض اینکه به ستون دارایی‌ها افزوده گردد، به روند بیرون رفتن از ستون مخارج، ادامه خواهد داد. درست مطابق بهترین نمونه‌های گردش پول، در اقسام متوسط جامعه. اگر یک زوج جوان در همان اوایل زندگی، پول بیشتری به ستون دارایی‌هایشان بیفزایند، در سال‌های بعدی کارشان آسان‌تر خواهد شد، بخصوص اگر قصد داشته باشند فرزندانشان را به دانشگاه بفرستند. دارایی‌های آنان، رشد کرده و برای تأمین مخارج، در دسترسشان خواهد بود. بیشتر مواقع، خانه، فقط به عنوان وسیله‌ای برای گرفتن یک وام هم میزان، به منظور پرداخت مخارج ماهانه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خلاصه کنیم، تصمیم‌گیری برای خرید خانه‌ای گران، به عوض اینکه در همان ابتدا، شروع به خرید اوراق بهادرار بکنیم، حداقل در سه مورد زیر به شخص ضربه می‌زند:

**۱- از دست دادن زمان.** زمانی که در طی آن، ارزش دیگر دارایی‌ها می‌توانست بالا برود.

**۲- از دست دادن سرمایه اضافی،** که می‌توانست به عوض پرداخت مخارج زیاد حفظ و نگهداری از منزل خریداری شده، به سرمایه‌گذاری اختصاص یابد.

**۳- از دست دادن تجربیات و تعلیمات.** در بیشتر موارد، خانه، پس انداز و بیمه بازنشستگی، کل چیزی است که مردم در ستون دارایی‌هایشان دارند و بر روی آن حساب می‌کنند. آنان به دلیل اینکه پولی برای سرمایه‌گذاری ندارند، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. این

# موانع پیروزی

از زمانی که مردم مطالعه را آغاز کرده‌اند و از نظر مالی باسود شده‌اند، برای رسیدن به استقلال مالی، موانعی سر راه خود دیده‌اند. پنج عامل عمدّه بر سر راه مردمی که از نظر مالی آموزش دیده‌اند، وجود دارد که هنوز مانع از آن است، بتوانند ستون دارایی‌های خود را رشد دهند. ستون دارایی‌هایی که می‌تواند مبالغ هنگفتی وجود نقد تولید کند. ستون دارایی‌هایی که می‌تواند آنان را به سوی زندگی که آرزویش را دارند سوق دهد، به عوض اینکه مجبور باشند تمام وقت برای پرداخت قبوض و صورتحساب‌های آخر ماهشان کار کنند. این همان پنج دلیل است:

۱. ترس
۲. بدینی
۳. تبلی و سستی
۴. عادات غلط
۵. تکبر و گستاخی

این چیزی است که همگی ما، واقعاً به دانستنش نیاز داریم. اگر شما مایلید پولدار باشید، به همین سادگی عمر خود را صرف کسب دارایی نمایید. اگر می‌خواهید بی‌پول یا متوسط‌الحال باشید، عمر تان را به هزینه کردن بگذرانید. ندانستن تفاوت میان آنها، موجب بیشتر مشکلات مالی در دنیای واقعی پیرامونمان می‌شود.

ندانستن مفاهیم مالی و ارقام مالی، پایه و اساس مشکلات مالی است. اگر می‌بینید مردم در امور مالی، دچار مشکل هستند، علت این است که قادر به درک برخی اعداد یا مفاهیم نیستند. برخی چیزها را نادرست فهمیده‌اند. ثروتمندان ثروتمنند، زیرا در زمینه‌های مختلف اقتصادی بیش از مردمی که در گیر مشکلات مالی‌اند، آموزش دیده‌اند. بنابراین اگر شما می‌خواهید پولدار شوید و این ثروت را حفظ نمایید، ضروری است در خصوص امور مالی آموزش ببینید، چه در لغات و تعاریف و چه در اعداد.

فلش‌ها در نمودار صفحه بعد، بیانگر جریان نقدینگی یا "گردش پول" هستند. اعداد به تنها‌یی، معنای زیادی ندارند. درست همانطور که لغات به تنها‌یی بی‌مفهومند. این داستانِ حساب و کتاب هاست. در گزارشات مالی، خواندن اعداد، یعنی جستجوی موضوع اصلی. یعنی جستجوی داستان. داستان اینکه پول، در کجا گردش می‌یابد. در ۸۰٪ خانواده‌ها، داستان‌های مالی، داستان‌های کار سخت و کوشش زیاد، برای پیشرفت است. دلیلش این نیست که آنان پولی در نمی‌آورند، بلکه به این علت است که عمرشان را به عوض کسب دارایی، به هزینه کردن مشغولند.

برای نمونه، این نمودار گردش پول یک آدم بی‌پول یا آدم جوانی است که هنوز در منزل پدری است و شغلی ندارد:

درس ۱ ثروتمندان برای پول کار نمی‌کنند

درس ۲ چرا به آموزش سواد مالی نیاز است؟

درس ۳ به کار خودت اهمیت بده.

درس ۴ نگاهی به تاریخ مالیات‌ها و قدرت شرکت‌ها.

درس ۵ پولدارها پول می‌سازند.

درس ۶ برای فراغیری کار کن نه برای پول.

و می‌روند، بر راهی سعوط می‌کنند. در این میانه، دنیا دائمًاً موقعیت‌های مستمری را پیش روی شما می‌گذارد، و این امر هر روز تکرار می‌شود، اما ما، غالب اوقات در دیدن آن‌ها، با شکست مواجه می‌شویم. با تمام این احوال، آنها وجود دارند. و هر چه دنیا بیشتر تغییر می‌کند و تکنولوژی بیشتر عوض می‌شود، موقعیت‌های بیشتری نیز پیش روی شما قرار می‌گیرد تا بتوانید از نظر مالی، خانواده‌تان را، سل‌ها تأمین نمایید.

پس چرا زحمت تقویت سواد مالی‌تان را به خود نمی‌دهید؟ باز هم فقط خودتان هستید که می‌توانید به این سوال جواب دهید. من می‌دانم که چرا به آموختن و تقویت دانش مالی خود ادامه می‌دهم. این کار را می‌کنم چون می‌دانم، تغییرات، یکی پس از دیگری در راهند. من ترجیح می‌دهم پذیرای تغییرات شوم تا به گذشته چنگ بیندازم. می‌دانم در آینده، باز هم شاهد شکوفایی اقتصادی و سقوط اقتصادی خواهم بود. می‌خواهم به طور مستمر، به رشد بینش مالی خود بپردازم زیرا در هر تغییر بازار، عده‌ای از مردم را می‌بینم که بروزانشان افتاده برای از دست ندادن شغلشان به کارفرما التماس می‌کنند. و در همین حال مردمانی را نظاره‌گر بوده‌ام که به کوچکترین موقعیت‌های ضعیف و نصفه نیمه‌ای که زندگی پیش رویشان گذاشته، چنگ انداخته‌اند و آن را، به میلیون‌ها تبدیل کرده‌اند. موقعیت‌هایی که کمابیش همه‌ ما با آن، در زندگی مواجه هستیم. این، ناشی از نوع مالی است.

اغلب از من، در باره موقعیت‌های معیوبی که توانسته‌ام به میلیون‌ها دلار تبدیل‌ش کنم، سوال می‌شود. به عنوان یک نکته خصوصی، من در بیان بسیاری از تجربیات شخصی دیگرم در زمینه سرمایه‌گذاری، تردید دارم زیرا می‌ترسم حمل بر گزافه گویی یا لافزنی شود و قصد من لافزنی نیست. قصدم از این مثال‌ها، فقط ترسیم تصاویری از تجربیات ساده و واقعی است که به ترتیب زمانی، نمایش داده شده‌اند. و آنها را بیان می‌کنم، زیرا مایل‌م شما بدانید که ۷۰٪ آن‌ها آن‌قدر شده‌اند اگر با چهار اصل نوع مالی آشناتر

۱۹۹۶، یک نمونه از بازار آشفته یا قویاً هیجانی و احساس‌گرایانه‌ای بود که با کریسمس سروکار داشتیم. عامل دیگر مؤثر در بازار، "اصول و مبادی" یا درک اقتصادی سرمایه‌گذاری است. اینکه تشخیص دهیم یک سرمایه‌گذاری در شرایط فعلی بازار، درست است یا خیر.

بسیاری از مردم، تصور می‌کنند مفهوم سرمایه‌گذاری و شناخت بازار، برای بچه‌ها،

امری به مراتب پیچیده است. آنان نمی‌بینند که بچه‌ها، این امور را به طور طبیعی از روی

ادسas و شعورشان، درک می‌کنند. حتی آنها که با عروسک‌المو آشنایی ندارند، می‌دانند

که شخصیت‌های خیابان سمامی<sup>۱</sup>، درست پیش از کریسمس، در میان بچه‌ها طرفداران

زیادی پیدا می‌کنند و عروسک‌هایشان خوب فروش می‌روند. اکثر بچه‌ها، خواهان یکی از آنها هستند و نام آن را، در ابتدای لیست خریدهای کریسمسشان یادداشت می‌کنند.

بسیاری از والدین، در تعجبند که چرا کمپانی، در طول سال، عمداً از فروش این

عروسک‌ها در فروشگاه‌ها امتناع می‌ورزد و آنها را جمع آوری می‌کند در حالیکه نزدیک

کریسمس، به تبلیغات وسیعی برای فروش آنان دست می‌زنند. یعنی ایجاد یک وضعیت

هیجانی و دلهره‌آمیز در خرید، به علت تقاضای بالا و عرضه پایین<sup>۲</sup>. وقتی در بازار،

عروسکی برای فروش وجود ندارد، آنها که با پنجه سر می‌برند و به سود کمتر اما سریعتر

راضی‌اند، موقعیتی می‌یابد که بتوانند در طی آن، از والدین نامید به یافتن عروسک

سودی نصیب خود گردانند. سرانجام هم، آندسته از والدین بدشانس که موفق به یافتن

عروسک نشده‌اند، مجبور به خرید اسعار، بازی، دیگری برای کریسمس می‌شوند. محبوبیت

ارها می‌دانند - ریاضی زرجه سواد به موفقیت‌های تحصیلی نیست.

اینکه دانش‌آموزان، مدرسه را بدون ذره‌ای مهارت‌های اقتصادی ترک می‌کنند، موجب می‌شود دانشگاه‌ها، میلیون‌ها نفر آدم تحصیلکرده بیرون بدهند که حرفه‌شان را با موفقیت دنبال می‌کنند اما پس از مدتی، خود را درگیر مشکلات مالی می‌بینند. این حرفه‌ای‌ها، تلاش‌شان را بیشتر کرده و سخت‌تر کار می‌کنند اما پیشرفته در وضعیتشان حاصل نمی‌شود. کمبودی که در تحصیلاتشان وجود دارد، ندانستن راه پول در آوردن نیست، بلکه، چگونه خرج کردن آن است - اینکه پس از به دست آوردنش، با آن چه کنند؟ نام این عمل، "نبوغ مالی" است. پس از اینکه پولی را به دست آورده با آن چه خواهی کرد؟ چگونه آن را از دستبرد دیگران حفظ می‌کنی و نمی‌گذاری از چنگت بیرون بکشند؟ چه مدت نگه‌اش می‌داری و آن پول تا چه اندازه برای تو کار خواهد کرد؟ غالباً

مردم نمی‌دانند چرا درگیر مشکلات مالی هستند، زیرا روند گردش پول را، درک نکرده‌اند.

یک فرد می‌تواند تحصیلات بالا داشته و از نظر حرفه‌ای موفق باشد ولی از سواد مالی بهترهای نبرده باشد. اینگونه افراد، معمولاً بیشتر از نیازشان، کار می‌کنند چون یاد گرفته‌اند سخت کار کنند، نه اینکه پولشان را در خدمت خودشان، سخت به کار گیرند.

چگونه جستجو برای دستیابی به یک آرزوی مالی، به یک کابوس مالی

لجه‌پیل شدند.

این تصویر تکان‌دهنده، نشان می‌دهد که مردم سخت کوش، یک نمودار ثابت و منظم دارند. یک زوج جوان که به تازگی ازدواج کرده‌اند در حالی که از تحصیلات بالایی بخوردارند، با خوشحالی به منزل مشترکشان که یک آپارتمان اجاره‌ای محدود و کوچک